



اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

درس ۴

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: یاسر سعادت

در درس قبل بحث ما درباره صحیحۀ رعاف (صحیحۀ دوم زراره) بود. همان طور که گذشت در این صحیحۀ، شش سؤال از جانب زراره و شش جواب از ناحیۀ امام (ع) بیان شده است که از این شش سؤال و جواب، فقط سؤال سوم و ششم، مورد نیاز ما برای استدلال بر حجیت استصحاب می باشد.

اما از آن جا که فهم این دو فقره، متوقف بر فهم سایر فقرات این حدیث است، در مباحثی که پیش رو داریم، ابتدا فقه الحدیث این روایت را به طور کامل نسبت به تمام شش فقره، بیان می کنیم و سپس از نقاط اصلی مورد استدلال، بحث خواهیم نمود.

و تشمل هذه الرواية على ستة أسئلة من الراوى مع أجوبتها، و موقع الاستدلال ما جاء فى الجواب على السؤال الثالث و السادس، غير ألى سنستعرض فقه الأسئلة الستة و أجوبتها جميعاً لما لذلك من دخل فى تعميق فهم موضعى الاستدلال من الرواية.

فى السؤال الأول: يستفهم زرارة عن حكم من علم بنجاسة ثوبه ثم نسى ذلك و صلى فيه و تذكر الأمر بعد الصلاة، و قد أفتى الإمام بوجوب إعادة الصلاة لوقوعها مع النجاسة المنسية و غسل الثوب.

و فى السؤال الثانى: سأل عمن علم بوقوع النجاسة على الثوب ففحص و لم يشخص موضعه فدخل فى الصلاة باحتمال أن عدم التشخيص مسوغ للدخول فيها مع النجاسة ما دام لم يصبها بالفحص، و قوله فطلبته و لم أقدر عليه أنما يدل على ذلك و لا يدل على أنه بعدم التشخيص زال اعتقاده بالنجاسة، فلن عدم القدرة غير حصول التشكيك فى الاعتقاد السابق و لا يستلزمه، و قد أفتى الإمام بلزوم الغسل و الإعادة لوقوع الصلاة مع النجاسة المعلومه إجمالاً.

و فى السؤال الثالث: افترض زرارة أنه ظن الإصابة ففحص فلم يجد فصلى فوجد النجاسة، فأفتى الإمام بعدم الإعادة و علل ذلك بأنه كان على يقين من الطهارة فشك، و لا ينبغى نقض اليقين بالشك.

و هذا المقطع هو الموضع الأول للاستدلال، و فى بادئ الأمر يمكن طرح أربع فرضيات فى تصوير الحالة التى طرحت فى هذا المقطع:

الفرضية الأولى: أن يفرض حصول القطع بعدم النجاسة عند الفحص و عدم الوجدان، و حصول القطع عند الوجدان بعد الصلاة بلن النجاسة هى نفس ما فحص عنه و لم يجده أولاً. و هذه الفرضية غير منطبقة على المقطع جزماً، لأنها لا تشمل على شك لا قبل الصلاة و لا بعدها، مع أن الإمام قد افترض الشك و طبق قاعدة من قواعد الشك.

فقه الحدیث صحیحہ رعاف

برای بیان طریقه استدلال به این صحیحہ ابتدا به فقه الحدیث تمام فقرات آن می پردازیم و سپس از نقاط اصلی مورد استدلال، بحث خواهیم نمود.

فقه الحدیث سؤال اول زرارہ (ره)

در این سؤال، زرارہ، در مورد کسی سؤال می کند که نسیاناً در لباس معلوم النجاسة نماز خوانده است و امام (ع) حکم به وجوب اعاده نماز و شستن لباس می نمایند که مطلب در این فقره بسیار روشن و واضح است و طبق فتوای فقهاء باید لباس شسته شده و نماز اعاده شود.

متن عربی و نکات تطبیقی

و تشتمل هذه الرواية على ستة أسئلة من الراوى مع أجوبتها(۱)، و موقع الاستدلال ما جاء فى الجواب على السؤال الثالث و السادس، غير أن سنستعرض فقه الأسئلة الستة و أجوبتها(۲) جميعاً لما لذلك(۳) من(۴) دخل فى تعميق فهم موضعي الاستدلال من الرواية.

ففى السؤال الأول: يستفهم زرارہ عن حکم من علم بنجاسة ثوبه ثم نسى ذلك(۵) و صلى فيه و تذاكر الأمر(۶) بعد الصلاة، و قد أفتى الإمام بوجوب إعادة الصلاة لوقوعها(۷) مع النجاسة المنسية و غسل(۸) الثوب.

۲۱. مرجع ضمير: الأسئلة.

۳. مشاراً اليه: فقه الأسئلة الستة.

۴. بيان «ما» می باشد.

۵. مشاراً اليه: نجاسة ثوبه.

۶. يعنى: نجاست لباسش را بعد از نماز به یاد می آورد.

۷. مرجع ضمير: صلاة.

۸. معطوفٌ عليه: اعادة الصلاة.

Sco۱: ۴:۵۸

فقه الحدیث سؤال دوم زرارہ (ره)

در این سؤال، زرارہ از حکم مکلفی می پرسد که می داند نجاستی به نقطه ای از لباسش اصابت کرده است ، اما بعد از جستجو، محل دقیق اصابت را پیدا نمی کند و به این خیال که مشخص نبودن موضع اصابت نجاست، آن هم بعد از تفحص، مجوز این است که در لباس نجس نماز بخواند ، وارد نماز می شود، اما بعد از نماز ، موضع دقیق نجاست را می یابد؛ به تعبیر دیگر، این مکلف گمان می کند که علم اجمالی به نجاست، مُخِلّ صحت نماز نیست، بلکه علم تفصیلی به نجاست، مانع ورود بِنماز می شود. بر همین اساس، علی رغم این که در ابتدا، اجمالاً می داند که لباسش نجس است وارد نماز می شود؛ اما در پایان نماز، این علم اجمالی او تبدیل به علم تفصیلی می شود. نکته قابل توجه این است که عبارت «فطلبتہ و لم أقدر علیه» به این معناست که از محل دقیق نجاست فحس کرده، آن را پیدا نکردم.

در این سؤال، فرض شده است که بعد از نیافتن محل دقیق نجاست، باز هم علم اجمالی به نجاست باقی است؛ نه این که با نیافتن نجاست، علم اجمالی او به شک در اصل نجاست مبدل گردد؛ بلکه با علم اجمالی به نجاست، وارد نماز شده است. فقط توهم و خیال کرده است که علم اجمالی به نجاست، مضر به صحت نماز نیست و فقط با علم تفصیلی به نجاست، نمی توان وارد نماز شد. امام(ع) در این صورت نیز حکم به وجوب اعاده نماز و شستن لباس می نمایند. بنابراین این فقره نیز، دارای نکته مبهمی نمی باشد.

متن عربی و نکات تطبیقی

و فی السؤال الثانی: سأل عن علم (۱) بوقوع النجاسة علی الثوب (۲) ففحص و لم یشخص موضعه (۳) فدخل فی الصلاة باحتمال (۴) أن عدم التشخیص مسوغ للدخول فیها (۵) مع النجاسة ما دام لم یصبها (۶) بالفحص (۷).

۱. اجمالاً.

۲. متعلق جار و مجرور: وقوع.

۳. مرجع ضمیر: وقوع النجاسة.

۴. متعلق جار و مجرور: دخل.

۵. مرجع ضمیر: الصلاة. متعلق جار و مجرور: الدخول.

۶. مرجع ضمیر: النجاسة.

۷. متعلق جار و مجرور: لم یصبها.

و قوله فطلبته و لم أقدر علیه أنما يدل علی ذلك (۱) و لا يدل علی أنه (۲) بعدم التشخیص زال اعتقاده بالنجاسة (۳)، فلین عدم القدرة غیر حصول التشکیک فی الاعتقاد السابق و لا یشتملزمه (۴)، و قد أفتی الإمام بلزوم الغسل و الإعادة لوقوع الصلاة مع النجاسة المعلومة إجمالاً.

۱. مشاراً الیه: ففحص و لم یشخص موضع فدخل فی الصلاة باحتمال أن عدم التشخیص مسوغ للدخول فیہ ...

۲. مرجع ضمیر: مکلف.

۳. تذکر: اگر روایت این گونه معنا نشود، باید گفت که مکلف، بعد از فحص، در اصل نجاست شک دارد که این شک، شک بدوی بوده و مجرای اصالة البراءة است؛ بنابراین در این صورت، نمی توان حکم امام(ع) را توجیه نمود.

۴. مرجع ضمیر: التشکیک فی الاعتقاد السابق.

Sco^۲: ۱۳:۰۵

فقه الحدیث سؤال سوم زراره (ره)

این فقره، مورد استدلال بر حجیت استصحاب واقع می شود و از آن جهت که این سؤال زراره دارای ابهام است، دقت بیشتری را می طلبد.

در این سؤال، زراره فرض را بر این گذاشته است که مکلف قبل از نماز، ظن به نجاست داشته و فحص از نجاست می کند اما آن را نمی یابد و با همین لباس، نماز می خواند، اما بعد از نماز، نجاست را پیدا می کند.

فرق این سؤال با سؤال دوم در این است که در سؤال قبل، مکلف قبل از نماز، علم اجمالی به وجود نجاست داشت ولی در این فرض، قبل از نماز، ظن به نجاست دارد.

امام در این فرض، اعاده نماز را لازم نمی‌داند و در مقام تعلیل می‌فرماید: «زیرا تو یقین به طهارت داشتی، سپس شک کردی و هرگز شایسته نیست که یقین را با شک نقض نمایی.»

از آن‌جا که این فقره، بر حجیت استصحاب، مورد استدلال واقع می‌شود، باید سؤال، دقیقاً مشخص گردد که مراد زراره در این سؤال چه بوده است. در نگاه نخست، در مورد این سؤال، چهار فرضیه تصور می‌شود؛ هرچند که برخی از آنها اصلاً قابل التزام نیست. در این درس و درس آینده، به بیان و بررسی این فرضیه‌ها می‌پردازیم.

فرضیه نخست

این فرضیه از دو بند تشکیل می‌شود:

الف) قبل از نماز، مکلف به عدم نجاست، علم و یقین دارد.

ب) بعد از نماز، مکلف به وقوع نماز در لباس نجس، یقین دارد.

توضیح: مکلف، با فحوصی که قبل از نماز از نجاست کرد و آن را نیافت، قطع به عدم نجاست پیدا می‌کند؛ هر چند که این قطع او مطابق با واقع نیست، ولی به هر حال مکلف، با علم به طهارت لباس، وارد نماز شده است.

بعد از نماز، مکلف، یقین پیدا می‌کند که نمازش را در لباس نجس خوانده است؛ چون یقین دارد این نجاستی که بعد از نماز در لباسش پیدا کرده است، همان نجاستی است که قبل از نماز، ظن به آن پیدا نموده بود.

عدم امکان تطبیق این فرضیه با سؤال زراره

فرضیه نخست، نمی‌تواند مراد زراره باشد؛ زیرا در این فرضیه، هیچ جایی برای شک فرض نشده است؛ بنابراین در این فرضیه، هیچ قاعده‌ای از قواعد شک نمی‌تواند جاری باشد؛ در حالی که امام (ع) در پاسخ به این سؤال، شک مکلف را فرض نموده و فرموده‌اند «ثم شککت» که معلوم می‌شود در سؤال زراره شکی نهفته بوده است؛ بنابراین امام (ع) یکی از قواعد مربوط به شک را به عنوان تعلیل با عبارت «لا تنقض الیقین ابدأ بالشک» بیان نموده‌اند. پس برای این فرضیه که جایی را برای شک مکلف در نظر نگرفته است، مجالی نیست و قطعاً این فرضیه، مراد زراره نمی‌باشد.

متن عربی و نکات تطبیقی:

و فی السؤال الثالث: افترض زرارة أنه ظن الإصابة ففحص فلم يجد فصلى فوجد النجاسة، فأفتى الإمام بعدم الإعادة و علل ذلك (۱) بأنه (۲) كان على يقين من الطهارة فشك، و لا ينبغي نقض اليقين بالشك.

و هذا المقطع (۳) هو الموضع الأول للاستدلال (۴)، و فی بادئ الأمر يمكن طرح أربع فرضيات فی تصویر الحالة التي (۵) طرحت فی هذا المقطع.

۱. مشاراً اليه: عدم وجوب الإعادة.

۲. مرجع ضمير: زراره.

۳. یعنی: سؤال سوم زراره.

۴. یعنی: موضع نخست استدلال بر استصحاب می‌باشد.

الفرضية الأولى: أن يفرض حصول القطع بعدم النجاسة عند الفحص و عدم الوجدان، و حصول القطع عند الوجدان بعد الصلاة لبئ (۱) النجاسة هي (۲) نفس ما فحص عنه (۳) و لم يجده (۴) أولاً. و هذه الفرضية غير منطبقة على المقطع جزماً، لأنها (۵) لا تشمل على شك لا قبل الصلاة (۶) و لا بعدها (۷)، مع أن الإمام قد افترض الشك و طبق قاعدة من قواعد الشك.

۱. متعلق: قطع.

۲. مرجع ضمير: النجاسة.

۳ و ۴. مرجع ضمير: «ما».

۵. مرجع ضمير: الفرضية.

۶. زیرا قبل از نماز، به واسطهٔ فحص، علم به طهارت لباس داشته و شکی در عدم نجاست لباس ندارد که استصحاب جاری شود.

۷. زیرا بعد از نماز و دیدن نجاست، علم به وقوع نماز، در لباس نجس داشته و شک در آن ندارد که استصحاب جاری شود.

Sco^۳: ۲۲:۵۳

۱. در اولین سؤال، زراره در مورد کسی سؤال می کند که نسیاناً در لباس نجس نماز خوانده است و امام (ع) حکم به وجوب اعاده نماز و شستن لباس می نمایند.
۲. در سؤال دوم، زراره از حکم مکلفی می پرسد که می داند نجاستی به نقطه ای از لباسش اصابت کرده است، اما بعد از جستجو، محل دقیق اصابت را پیدا نمی کند و به این خیال که مشخص نبودن موضع اصابت نجاست، آن هم بعد از تفحص، مجوز این است که در لباس نجس نماز بخواند، وارد نماز می شود، اما بعد از نماز موضع دقیق نجاست را می یابد. به تعبیر دیگر، مکلف گمان می کند که علم اجمالی به نجاست، مغلصحت نماز نبوده و فقط علم تفصیلی به نجاست، مانع ورود به نماز می شود. امام (ع) در این صورت نیز حکم به وجوب اعاده نماز و شستن لباس می نمایند.
۳. در نگاه نخست در مورد سؤال سوم زراره، چهار فرضیه تصور می شود؛ هرچند که برخی از آنها اصلاً قابل التزام نیست. در این درس یکی از این چهار فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. این فرضیه از دو بند تشکیل می شود:
 - الف) قبل از نماز، مکلف، به عدم نجاست علم و یقین دارد.
 - ب) بعد از نماز، مکلف، به وقوع نماز در لباس نجس یقین دارد.
 این فرضیه نمی تواند مراد زراره باشد؛ زیرا در این فرضیه، هیچ جایی برای شک فرض نشده است؛ بنابراین در این فرضیه، هیچ قاعده ای از قواعد شک نمی تواند جاری باشد؛ در حالی که امام (ع) در پاسخ به این سؤال، شک مکلف را فرض نموده و فرموده اند «ثم شککت» و در مقام تعلیل فرموده اند: «لا تنقض اليقين ابداً بالشك» که معلوم می شود در سؤال زراره شکی نهفته بوده است.